



بهبود کیفیت تحصیلات عالی: استقلالیت پوهنتون های دولتی

پوهاند محمد شفیع شریفی^۱

تقریظ دهنده: پوهنوال خلیل الرحمن سروری

مجله‌ی علمی-تحقیقی حوزه‌ی علوم
اجتماعی پوهنتون کابل، ۳ (۴) ۱۴۰۰

چکیده

در چهار دهه‌ی اخیر تحولات اقتصادی و تکنالوژیکی در عرصه‌ی جهانی همراه با برخی از رویدادهای سیاسی و امنیتی، ذی نفعان تحصیلات عالی را به طور گسترده در مورد اهمیت و منفعت استقلال نهادهای بزرگ علمی باهم نزدیک ساخت. در این تحقیق با استفاده از تجارب سایر کشورها، موضوع استقلالیت در پوهنتون‌های دولتی افغانستان به هدف دریافت نظریات اساتید مطالعه گردیده است. تحقیق بر مبنای سروی توصیفی صورت گرفته است. نمونه‌ی جامعه‌ی آماری این مطالعه را استادان از هشت پوهنتون برتر دولتی تشکیل می‌دهد. محقق فرم سروی را با استادانی صاحب صلاحیت به اشتراک گذاشت. داده‌ها با استفاده از سروی آنلاین جمع‌آوری گردید و توسط نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج حاصله نشان داد که اکثریت استادان با تفاوت‌های اندک به استقلالیت پوهنتون‌های دولتی از بُعد مالی، اکادمیک، سازمانی و استخدام اتفاق رأی دارند. هکذا، یک سؤال باز مشمول فرم سروی بود که تحلیل آن نشان داد که استقلالیت پوهنتون‌ها به افزایش کیفیت درسی، رقابتی شدن پوهنتون‌ها، و بهبود تحقیقات علمی کمک می‌نماید.

اصطلاحات کلیدی: استقلالیت پوهنتون؛ استقلالیت مالی؛ استقلالیت علمی؛ استقلالیت استخدام؛ استقلالیت سازمانی

Improving the Quality of Higher Education: Autonomy of State-Owned Universities Professor Mohammad Shafi Sharifi

Abstract

In the last four decades, economic and technological developments in the world arena along with some political and security events broadly brought together the significant benefits and importance and autonomy of universities. In this study, using the experiences of other countries, the issue of autonomy in the state governed universities of Afghanistan has been studied in order to receive the views of professors. The research is based on a descriptive survey. The statistical sample size consists of professors from the top eight governmental universities. The researcher shared the online survey link with them for data collection. Data were analyzed using SPSS software. The results show that most of professors agree with slight differences on the independence of public universities in terms of financial, academic, institutional and employment. Thus, an open-ended question was included in the survey form, the analysis of which shows that the universities' autonomy improves the quality of teaching, the universities' competitiveness, and the improvement of scientific research.

Keywords: University Autonomy; Financial Autonomy; Academic Autonomy; Staffing Autonomy; institutional autonomy

ارجاع

شریفی، محمد شفیع. (۱۴۰۰). بهبود کیفیت تحصیلات عالی: استقلالیت پوهنتون‌های دولتی. مجله‌ی علمی-تحقیقی حوزه‌ی علوم اجتماعی پوهنتون کابل، شماره ۳ (۴)، صص ۱۱-۲۵.

^۱ استاد پوهنخی انجنیری، پوهنتون کابل

مقدمه

از ایجاد اولین نهاد تحصیلی سنتی در قرون وسطا بحث استقلالیت نهادهای عالی علمی یکی از مباحث گرم بین استادان، محصلان و مدیران تحصیلات عالی بوده است. هرچند این واژه در بسا موارد به صورت نمادین و تشریفاتی بوده تا درک عمیق از آن. پوهنتون‌هایی که به استقلالیت رسیده‌اند، این استقلالیت نسبی بوده نه کامل. موضوع استقلالیت همیشه با دو مسأله‌ی اساسی یکی درک نادرست از ابعاد و شاخص‌ها، دوم دخالت دولت در از دست دادن کنترل بر آن مواجه بوده است. استقلال‌خواهی پوهنتون‌ها به مفهوم خودگردانی همیشه روند پُرفراز و نشیب؛ ولی رو به رشد داشته است. بحث استقلالیت پوهنتون‌ها از سال ۱۹۸۰ زمانی که پیش‌بینی‌های شگرف در علم و دانش از یک‌طرف و مسوولیت پوهنتون‌ها و نهادهای تحصیلی از طرف دیگر صورت گرفت، داغ‌تر گردید (Vidovich & Currie, 1998) و (Marginson & Considine, 2000). استقلال پوهنتون نزد ذی‌نفعان و شرکای تحصیلات عالی به‌طور گسترده یکی از موارد حایز اهمیت قبول گردیده است. یافته‌ها و تحقیقات اولیه طوری که (Keyrooz, Kinneer, & Preston, 2001) و (Keyrooz & Preston, 2002) و در اثر خویش منعکس نموده‌اند، نشان می‌دهد که محدودیت‌های آزادی تحصیلی ممکن است که عاملی در سقوط معیارهای آموزشی و تحصیلی و کیفیت تحصیلی باشد و تأکید بر تحقیقات مصون به جای تحقیقات گمانه‌زنی دارد. نگرانی‌های اجتماعی و دولتی ناشی از وضع محدودیت‌ها بر پوهنتون‌ها مورد پاسخ‌گویی و ارزیابی عملکرد پوهنتون‌ها و تأثیرگذاری آن در بازاریابی و تجاری‌سازی تدریس و تحقیقات علمی پوهنتونی فزونی می‌یافت (Smyth, 1995)، (Gerlese & Kayrooz, 2003) و (Schullar, 1995). این مباحث روزافزون و افزایش نگرانی‌ها سبب شد که دولت‌ها یکی بعد از دیگری به فکر اعطای استقلالیت به پوهنتون‌ها گردد (Margensone, 2000).

تاریخ چه استقلالیت آکادمیک

آزادی آکادمیک یکی از ارکان پوهنتون‌های معاصر و در عین حال مفهومی نسبتاً جدید است. پوهنتون‌هایی که در قرن ۱۰ و ۱۱ در شرق میانه و شمال آفریقا تأسیس شدند، تنوع قابل توجهی را در رویکردهای علمی پرورش دادند. با این حال، مفهوم آزادی آکادمیک در آن‌جا مدون نشد.

به قول شانون دی (Dea, 2018) آزادی آکادمیک در اوایل قرن نوزدهم در آلمان با اصلاحات پروس (Prussian reform) و به اصطلاح پوهنتون هومبولتی دوباره ظهور کرد. اصلاحات آموزشی ویلهلم فون هومبولت مفاهیم دوگانه *Lehrfreiheit* (آزادی در تدریس) و *Lernfreiheit* (آزادی در یادگیری) را تحت عنوان *Akademische Freiheit* (آزادی آکادمیک) گنجانده بود. تأثیر این

اصلاح به قدری سریع بود که در سال ۱۸۹۸، چارلز سندرز پیرس، فیلسوف مشهور آمریکایی در یک سخنرانی آن را به "چراغ تمام دنیا" تشبیه کرد. با ظهور رایش سوم آزادی آکادمیک (و اصل خودمختاری نهادی) در آلمان به پایان رسید تا آن‌جا که هیتلر ۱۵۰۰ عضو هیأت علمی در سراسر کشور را که دارای اندیشه‌ی آزادی آکادمیک بودند، برکنار کرد. برخلاف جرمنی، در آمریکا آزادی آکادمیک تا سال ۱۹۱۵ ریشه دوانیده بود و توسط انجمن استادان پوهنتون‌های آمریکا (American Association of University Professors AAUP) بیانیه‌ی به تصویب رسید که در آن آزادی تحقیق، آزادی تدریس و آزادی بیان تسجیل یافته بود. در سال ۱۹۲۵، شورای آموزش و پرورش آمریکا (American Counsel of Education- ACE) که AAUP نیز عضو آن است، بیانیه‌ی ۱۹۱۵ را تأیید و نسخه کوتاه‌تر آن را تحت عنوان "آزادی آکادمیک و مصونیت" (Academic freedom and tenure) به تصویب رساند. در سال ۱۹۴۰، انجمن استادان آمریکا با انجمن پوهنتون‌های آمریکا (American Association of Colleges - AAC) مشترکاً اصول آزادی آکادمیک و مصونیت را بازبینی و با برخی تفاسیر اضافه شده مجدداً آن را تحت عنوان "اصول آزادی آکادمیک و مصونیت ۱۹۴۰" تأیید نمودند. در سال ۱۹۹۳، یونسکو نیز آزادی و استقلالیت آکادمیک پوهنتون‌ها را به رسمیت می‌شناسد و به مصونیت اعضای کادر علمی تأکید می‌ورزد.

معنا و مفهوم استقلالیت پوهنتون

تعریف و معانی مختلفی از استقلالیت پوهنتون‌ها به عمل آمده است. پوگ در اثر خویش (Pugh, 2020) می‌نویسد: استقلالیت یا اتانومی (Autonomous) از دو کلمه "آتا" به معنا (خود) و "نوموس" به معنا (قانون) ترکیب گردیده است که همانا می‌توان آن را استقلالیت یا خودگردانی یاد کرد. با افزایش فشار مسوولیت بر پوهنتون‌ها و نهادهای تحصیلی در پاسخ‌گویی به نیازهای داخلی؛ کشورها و پوهنتون‌های مختلف طی سه دهه‌ی اخیر آرمان استقلال خواهی در بین استادان، محصلان و مجریان نهادهای تحصیلی به نحوی بذر کشت و شروع به جوانه زدن کرد. این حرکت به صورت طبیعی از کشورهای آمریکایی و اروپایی آغاز و آهسته-آهسته کشورهای آسیایی و افریقایی را نیز شامل و هریک از پوهنتون‌ها از آن‌ها الگوبرداری کرده تلاش نمودند تا آن را با نیازها و شرایط خود وفق دهند (حسین پور، ۱۳۹۵). لازمی و هم‌کاران، خصوصاً این‌گرایش را در بین نهادهای تحصیلات عالی کشورهای اروپایی، یکی از دغدغه‌ها و محورهای مهم کیفیت و تحقیقات علمی محسوب می‌نمایند (Lazi, Gazizulina, & Đorđević, 2021). بیود (Beaud, 2020) و وورگول (Worgul, 1992)

در آثار خویش به استقلالیت پوهنتون‌ها و نهادهای تحصیلی از چهار بُعد: سازمانی، مالی، کارکنان/اداری و علمی نگاه می‌کند.

استقلال سازمانی (Institutional autonomy) عبارت از توانایی پوهنتون برای تصمیم‌گیری آزادانه در مورد مسایل داخلی سازمان مانند رهبری اجرایی، نهادهای تصمیم‌گیری، ظرفیت‌های حقوقی انتفاعی و غیر انتفاعی، ساختارهای آکادمیک، توانایی انتخاب، انتصاب و عزل مدیران اجرایی به طور مستقل مطابق شرایط و معیاری‌های وضع‌شده و تصمیم‌گیری در مورد طول دوره‌ی مسوولیت آنان می‌باشد. هم‌چنان استقلال سازمانی، توانایی تشکیل هیأت‌امنا برای پوهنتون که موضوعات استراتژیک طویل‌مدت مانند اساس‌نامه، بودجه، برنامه‌های آموزشی و تحقیقاتی را بتوانند تصمیم بگیرند، نیز شامل می‌گردد.

استقلالیت مالی (Financial autonomy) بیشتر به موارد تعیین بودجه، میزان تخصیص آزادانه به ردیف‌های مختلف بودجه و اقدام به دریافت آن از بودجه ملی کشور، توانایی حفظ مازاد و قرض گرفتن پول در طول چرخه‌ی تأمین مالی، اختیارات در اخذ و تعیین فیس‌ها و حق‌الزحمه‌ها در تمام سطوح و دریافت وجوه برای تحقیقات علمی، مشورتی و خدماتی از مراجع دولتی و خصوصی و چگونه‌گی نحوه‌ی مصرف آن را شامل می‌گردد.

استقلالیت کارکنان (Staffing autonomy)، عبارت از توانایی و آزادی پوهنتون در استخدام اعضای کادر علمی بر اساس شایسته‌گی، تصمیم‌گیری آزادانه در مورد مسایل مربوط به مدیریت منابع بشری مانند حقوق، اخراج و ظرفیت ارتقا/ترفیع آن‌ها بدون دخالت و تجویز از بیرون را شامل می‌شود تا بتواند محیط را در سطح ملی و بین‌المللی برای پوهنتون مزیت رقابتی ببخشد.

استقلالیت آکادمیک (Academic autonomy) به توانایی پوهنتون و نهاد تحصیلی برای تصمیم‌گیری در مورد موضوعات مختلف پوهنتونی، مانند پذیرش محصل، نصاب درسی، تضمین کیفیت، معرفی برنامه‌های مدرک و زبان تدریس اشاره دارد. توانایی تصمیم‌گیری در مورد تعداد کلی محصلان و تعیین معیارهای پذیرش، از جنبه‌های اساسی استقلال نهاد علمی است؛ در حالی که تعداد مکان‌های تحصیلی پیامدهای مهمی برای مشخصات و امور مالی پوهنتون دارد. ظرفیت انتخاب محصلان کمک قابل توجهی به تضمین کیفیت و تطابق علاقه محصلان با برنامه‌های ارائه شده دارد. ظرفیت معرفی برنامه‌ها در پوهنتون بدون دخالت خارجی و انتخاب زبان(های) آموزشی، پوهنتون را قادر می‌سازد تا مأموریت خاص خود را به شیوه‌ی انعطاف‌پذیر دنبال کند. انتخاب آزاد زبان تدریس نیز ممکن است در زمینه‌ی استراتژی‌های بین‌المللی سازی سازمانی مهم باشد.

بیرگ (Berg, 2006) در خصوص استقلالیت علمی مؤسسات تحصیلی اضافه می‌نماید که؛ مسأله‌ی استقلال پوهنتون و نهادهای تحصیلی از دیدگاه‌های متعددی مطرح و بررسی می‌شود که با بررسی تاریخی کوتاهی از مفهوم و کاربرد آن آغاز می‌شود. این امر به آزادی آکادمیک، مشکلات تمرکز در مقابل تمرکززدایی، سازماندهی داخلی پوهنتون‌ها، نقش پوهنتون‌ها در جوامعی که به سرعت در حال تغییر هستند، دموکراتیزه شدن و انتظارات جامعه در رابطه با پوهنتون‌ها مرتبط است. اگر استقلال پوهنتون برای عملکرد صحیح پوهنتون‌ها ضروری است، کنترل کیفیت و مدیریت پیش‌نیازهای ضروری برای خودمختاری است.

وانگ در اثر خویش (Wang, 2014) مسأله‌ی تضمین کیفیت و استقلالیت آموزش عالی چین را در ۱۶ پوهنتون مختلف در کشور چین به بررسی می‌گیرد و نشان می‌دهد که چگونه تضمین کیفیت بر پاسخ‌گویی و استقلال از دیدگاه پوهنتون اثرگذار است. وی پیشرفت چین را وابسته به یک سلسله اصلاحات دهه‌ی هشتاد میلادی من جمله برنامه‌های مبتنی بر نیاز بازار، سیاست درهای باز، اصلاحات در سیستم مالی نهادهای تحصیلی، افزایش توانایی‌های مؤسسات تحصیلی در پاسخ‌گویی به تقاضای فزاینده برای تحصیلات عالی، استراتژی خصوصی‌سازی پوهنتون‌ها و افزایش اختیارات پوهنتون‌های دولتی، افزایش میزان ثبت نام محصلان، برنامه‌های تحصیلی مشترک، استفاده از منابع آموزشی با کیفیت در سطح جهانی، تغییرات ساختاری مانند تمرکززدایی و مقررات‌زدایی، انتقال مدیریت پوهنتون از کنترل مستقیم به نظارت، استقرار یک سیستم خوب برای تضمین کیفیت در تحصیلات عالی، ایجاد مراجع علمی-تحقیقاتی چین و مشارکت اساتید و محصلان در سیستم تضمین کیفیت فعلی برای ارتقای کیفیت تحصیلات عالی می‌داند.

انجمن پوهنتون‌های اروپایی (European University Association EUA)، یکی از بزرگ‌ترین نهادهای ممثل تحصیلات عالی در جهان، که بیش از ۸۰۰ پوهنتون اروپایی را در عضویت خود دارد، پوهنتون‌های اروپایی را در سال ۲۰۱۱ میلادی در ۲۸ کشور از چهار بُعد به اساس یک کارت امتیازی (Scorecard) مورد بررسی قرار داد که نتایج آن در جدول نشان داده شده است (Esterman, Nokkala, & Steinel, 2011). در بخش استقلالیت علمی آیرلند با گرفتن ۱۰۰ نمره مقام اول و فرانسه با گرفتن ۳۷ نمر در طی جدول قرار گرفت. به همین ترتیب در بخش استقلالیت کارکنان ستونیا در صدر جدول و یونان با گرفتن ۱۴ نمره در قعر جدول و هکذا در بخش استقلالیت مالی لوکزامبورگ با گرفتن ۹۱ نمره در درجه اول و قبرس با گرفتن ۲۳ نمره در درجه اخیر قرار می‌گیرند.

جدول ۱: جدول نمرات پوهنتون‌های بیست و هشت کشور اروپایی به‌اساس کارت امتیازی در سال ۲۰۱۱

شماره	کشور	استقلالیت علمی	استقلالیت کارکنان	استقلالیت مالی	استقلالیت سازمانی
۱	انگلستان	۹۴	۹۶	۸۹	۱۰۰
۲	استونیا	۹۲	۱۰۰	۹۰	۸۷
۳	فنلاند	۹۰	۹۲	۵۶	۹۳
۴	آیرلند	۱۰۰	۸۲	۶۶	۸۱
۵	دنمارک	۵۶	۸۶	۶۹	۹۴
۶	ناروی	۹۷	۶۷	۴۸	۷۸
۷	لتویا	۵۵	۹۲	۸۰	۶۱
۸	سوئیس	۷۲	۹۵	۶۵	۵۵
۹	آستریا	۷۲	۷۳	۵۹	۷۸
۱۰	لوکزامبورگ	۷۲	۸۷	۹۱	۳۱
۱۱	North Rhine-Westphalia	۶۹	۶۱	۵۸	۸۴
۱۲	سوئدن	۶۶	۹۵	۵۶	۵۵
۱۳	هالند	۴۸	۷۳	۷۷	۶۹
۱۴	پرتگال	۵۴	۶۲	۷۰	۸۰
۱۵	پولند	۵۷	۸۰	۵۴	۶۷
۱۶	لتوانیا	۴۲	۸۳	۵۱	۷۵
۱۷	آیسلند	۸۹	۶۸	۴۳	۴۹
۱۸	جمهوری چک	۵۲	۹۵	۴۶	۵۴
۱۹	هیس	۶۹	۶۱	۳۵	۷۸
۲۰	هنگری	۴۷	۶۶	۷۱	۵۹
۲۱	ایتالیا	۵۷	۴۹	۷۰	۵۶
۲۲	براندنبورگ	۶۷	۵۵	۴۴	۶۰
۲۳	سلواک	۵۶	۵۴	۷۰	۴۵
۲۴	هسپانیه	۵۷	۴۸	۵۵	۵۵
۲۵	قبرس	۷۷	۴۸	۲۳	۵۰
۲۶	فرانسه	۳۷	۴۳	۴۵	۵۹
۲۷	ترکیه	۴۶	۶۰	۴۵	۳۳
۲۸	یونان	۴۰	۱۴	۳۶	۴۳

انجمن پوهنتون‌های اروپایی (EUA) در سال (۲۰۱۷) تحقیقات مشابه را مجدداً انجام داد و نتایج آن نشان می‌دهد که به استثنای انگلستان، استونیا و فنلاند، سایر کشورها مواضع خویش را تغییر داده‌اند. بعضی کشورها پیشرفت‌هایی داشته‌اند و به‌صدر جدول نزدیک گردیده‌اند و برخی دیگر، عقب‌گردهایی و به‌قعر جدول قرب حاصل نموده‌اند (Pruvot & Estermann, 2017). پروفوت در این گزارش پیشرفت و پاسخ‌گویی پوهنتون‌های اروپایی را در استقلالیت چهاربُعدی آن می‌داند.

روش تحقیق

این تحقیق از نظر روش‌شناسی تحقیق توصیفی از نوع پیمایشی است و از نظر هدف، کاربردی می‌باشد. جامعه‌ی آماری تحقیق را ۵۴۴ تن استاد از هشت پوهنتون برتر دولتی تشکیل می‌دهد که صرفاً استادان دارای درجه‌ی تحصیلی حداقل ماستر و رتبه علمی بالا (پوهندوی، پوهنوال و پوهاند) و معاون استاد با درجه‌ی تحصیلی دکتورا را شامل می‌شود.

محدودیت به صورت عمدی بوده تا آن‌عده از اعضای کادر علمی انتخاب گردند که دارای تجارب آموزشی بین‌المللی بوده باشند. سطح اطمینان در تعیین جامعه‌ی نمونه ۹۰٪ و ضریب خطا ۱۰٪ در نظر گرفته شده است. حجم نمونه بر مبنای فرمول کوکران و با در نظر داشت جامعه‌ی آماری ۱۰۳ تن تعیین و به روش تصادفی انتخاب گردید. برای همه لینک پرسش‌نامه ارسال و در مجموع ۱۰۰ پرسش‌نامه دریافت گردید.

ابزار تحقیق را پرسش‌نامه‌ی شامل ۳۱ سؤال بسته‌پاسخ در چهار حیطه: آزادای علمی، آزادای استخدام، آزادای سازمانی و مالی با مقیاس ۵ گزینه‌ی لیکرت (قویاً موافق، موافق، نه موافق نه مخالف، قویاً مخالف) لیکرت (Likert 5 point Scale) و یک سؤال بازپاسخ تشکیل می‌دهد. در تهیه‌ی پرسش‌نامه از متون علمی که در این عرصه‌ها به کار رفته بود، استفاده گردید. نتایج حاصله از پرسش‌نامه‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفت.

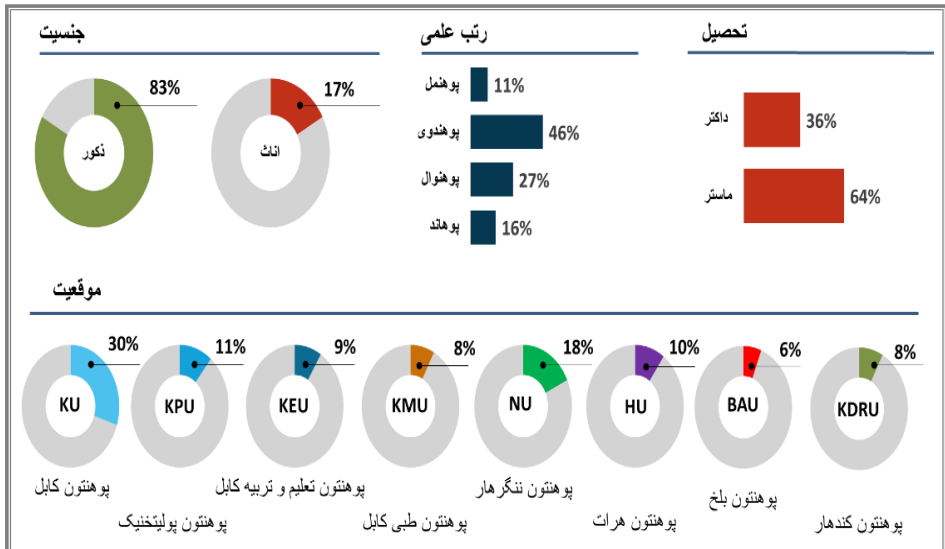
نتایج یا دریافت‌های تحقیق

در جدول ۲ فشرده و کلیات سروی انجام شده برای تکمیل این تحقیق نشان داده شده است.

جدول ۲: کلیات سروی انجام یافته

تعداد	عناصر پروژه تحقیق
۸	تعداد پوهنتون‌های اشتراک‌کننده
۵۴۴	جامعه‌ی آماری
آنلاین	نوع جمع‌آوری ارقام
۱۰۳	حجم نمونه
جوزای ۱۴۰۰	زمان جمع‌آوری معلومات
۹۷٪	فیصدی پاسخ دریافت شده
۱۰۰	تعداد پاسخ‌های دریافت شده

ویژه‌گی‌های اعضای جامعه‌ی نمونه‌ی آماری (پرسش‌نامه‌های دریافت شده) در شکل خلاصه‌گردیده است.



شکل ۱: ویژه‌گی‌های اعضای جامعه‌ی نمونه‌ی آماری

نتایج حاصله از سروی با استفاده از سافت‌ویر SPSS در جدول در چهار بخش استقلالیت مالی، استقلالیت علمی، استقلالیت استخدام و استقلالیت سازمانی تنظیم گردیده و نشان داده شده است. با توجه به ستون‌های اوسط یا میانگین و انحراف معیاری در می‌یابیم که تقریباً هم‌سویی در تمام سؤالات به استثنای چند مورد محدود مشاهده می‌شود.

در بخش استقلالیت مالی در اکثر موارد اتفاق رأی وجود دارد؛ اما اکثریت استادان در مورد سؤال "صلاحیت در دریافت قرضه از بانک‌ها یا سایر مراجع مالی دیگر را به سود پوهنتون نمی‌دانند که مؤید این ادعا می‌تواند میانگین ۳,۸۳ و انحراف معیاری ۱,۰۳ باشد. به همین ترتیب، جواب به سؤال تعیین فیس در دوره‌ی لیسانس با میانگین ۴,۱۶ و انحراف معیاری ۱,۴۶ نگرانی استادان را نشان می‌دهد.

از نظر محقق این نگرانی دلایلی مانند مغایرت با قانون اساسی و محدود کردن دسترسی اکثریت جوانان به تحصیل لیسانس شده می‌تواند؛ اما تعداد دیگری که به آن رأی داده اند موافق به دریافت فیس قابل پرداخت در دوره‌ی لیسانس می‌باشد و آن را در پاسخ به سؤال باز تبارز داده اند.

جدول ۳: اوسط و انحراف معیاری توافق پاسخ‌گویان با گویه‌های مربوط به استقلال مالی، علمی، سازمانی و استخدام پوهنتون

س	بخش	گویه	تعداد پاسخ	اوسط	انحراف ضریب معیاری	وریانس	
۱	استقلال مالی	دریافت بودجه‌ی عادی و انکشافی از دولت	۱۰۰	۴.۵۳	۰.۶۰۸	۰.۱۳	
۲		دریافت بودجه‌ی عادی از دولت و انکشافی از پوهنتون	۱۰۰	۴.۳۷	۰.۵۷۷	۰.۱۳	
۳		صلاحیت توزیع بودجه	۱۰۰	۴.۹۱	۰.۲۷۶	۰.۱۳	
۴		دریافت منابع مالی از بودجه‌ی دولت به شکل کودهای	۱۰۰	۴.۵۷	۰.۴۹۵	۰.۱۳	
۵		دریافت منابع مالی از بودجه‌ی دولت بشکل گرن (Block)	۱۰۰	۴.۸۷	۰.۳۳۶	۰.۱۳	
۶		چشمه‌های عایداتی متنوع عدم وابستگی صرفا به بودجه‌ی	۱۰۰	۴.۹۸	۰.۱۴۰	۰.۱۳	
۷		صلاحیت جذب منابع مالی از منابع غیر دولتی	۱۰۰	۴.۹۶	۰.۱۹۶	۰.۱۳	
۸		پوهنتون اختیار مالکیت بر ساختمان‌های خود را داشته باشد.	۱۰۰	۴.۹۷	۰.۱۷۱	۰.۱۳	
۹		صلاحیت تعیین فیس در دوره آموزشی لیسانس	۱۰۰	۴.۱۶	۰.۹۴۶	۰.۱۳	
۱۰		صلاحیت تعیین فیس در دوره‌های آموزشی فوق لیسانس	۱۰۰	۴.۹۸	۰.۱۴۰	۰.۱۳	
۱۱		صلاحیت نگاه‌داری عایدات مازاد از عاید	۱۰۰	۴.۹۹	۰.۰۹۹	۰.۱۳	
۱۲		صلاحیت دریافت قرضه از بانک‌ها	۱۰۰	۳.۸۳	۱.۰۳۰	۰.۱۳	
		میانگین نمرات حیطه‌ی استقلال مالی		۴.۶۷۶	۰.۴۲۰		
۱۳	استقلال آکادمیک	صلاحیت انتخاب روش‌های تامین کننده تضمین کیفیت	۱۰۰	۴.۹۵	۰.۲۱۸	۰.۱۳	
۱۴		اختیار معرفی برنامه‌های آموزشی جدید	۱۰۰	۴.۹۶	۰.۱۹۶	۰.۱۳	
۱۵		اختیار تعیین کردیت و نصاب تحصیلی	۱۰۰	۴.۹۶	۰.۱۹۶	۰.۱۳	
۱۶		صلاحیت تدوین و تدویر برنامه‌های لیسانس،	۱۰۰	۴.۹۶	۰.۱۹۶	۰.۱۳	
۱۷		اختیار در تعیین محتوای برنامه‌های آموزشی در تمام سطوح	۱۰۰	۴.۹۸	۰.۱۴۰	۰.۱۳	
۱۸		فسخ تدریجی برنامه‌های آموزشی	۱۰۰	۴.۹۸	۰.۱۴۰	۰.۱۳	
۱۹		انتخاب مراجع اعتباردهی داخلی و بین‌المللی	۱۰۰	۴.۹۶	۰.۱۹۶	۰.۱۳	
۲۰		انتخاب زبان در دوره آموزشی لیسانس	۱۰۰	۳.۳۶	۰.۷۶۰	۰.۱۳	
۲۱		انتخاب زبان تدریس در برنامه‌های فوق لیسانس	۱۰۰	۴.۹۶	۰.۱۹۶	۰.۱۳	
۲۲		انتخاب و پذیرش محصلان در تمام سطوح	۱۰۰	۴.۹۸	۰.۱۴۰	۰.۱۳	
۲۳		تصمیم‌گیری بر روی تعداد پذیرش محصلان	۱۰۰	۴.۹۸	۰.۱۴۰	۰.۱۳	
			میانگین نمرات حیطه‌ی استقلال آکادمیک		۴.۸۲۰	۰.۲۳	
۲۴	استخدام	تصمیم‌گیری بر روش‌های استخدام استادان/آکارکنان	۱۰۰	۴.۶۶	۰.۵۱۴	۰.۱۳	
۲۵		تعیین معاش و امتیازات استادان/آکارکنان	۱۰۰	۴.۹۶	۰.۱۹۶	۰.۱۳	
۲۶		عزل استادان/آکارکنان	۱۰۰	۴.۸۸	۰.۳۵۶	۰.۱۳	
۲۷		تصمیم‌گیری برای انتخاب روش ارتقای استادان/آکارکنان	۱۰۰	۴.۹۸	۰.۱۴۰	۰.۱۳	
			میانگین نمرات حیطه‌ی استخدام		۴.۸۷	۰.۳۰	
۲۸		استقلال در تعیین و برطرفی ریاست پوهنتون	۱۰۰	۴.۷۶	۰.۴۲۷	۰.۱۳	
۲۹	تربیت	اختیار و صلاحیت عضویت در شورای علمی خارج از	۱۰۰	۴.۹۸	۰.۱۴۰	۰.۱۳	
۳۰		صلاحیت در سازماندهی و بازنگری ساختار و تشکیلات	۱۰۰	۴.۹۷	۰.۱۷۱	۰.۱۳	
۳۱		اختیار در ساختار تشکیلات آکادمیک	۱۰۰	۴.۹۸	۰.۱۴۰	۰.۱۳	
		میانگین نمرات حیطه‌ی استقلال سازمانی		۴.۹۲	۰.۲۲		

به همین ترتیب، در بخش استقلالیت علمی یا آکادمیک با مقایسه میانگین نظرات و انحراف معیاری آن به وضوح دیده می‌شود که اشتراک‌کنندگان به استقلالیت علمی اتفاق نظر دارند؛ اما انتخاب زبان تدریس با میانگین ۳,۳۶ و انحراف معیاری ۰,۷۶، در پایین‌ترین سطح توافق قرار دارد. برداشت‌ها نشان می‌دهد که اکثریت اشتراک‌کننده‌ها می‌خواهند که زبان تدریس در دوره‌ی لیسانس باید به زبان‌های ملی یا رسمی کشور صورت گیرد و آن را وسیله‌ی برای غنای فرهنگی و زبانی کشور تلقی می‌نمایند. در بخش استقلالیت استخدام، دیده می‌شود که کم‌ترین رأی را سؤال "اختیارات پوهنتون به روش‌های استخدام استاد/کارکنان" با میانگین ۴,۶۶ و انحراف معیاری ۰,۵۱۴ آورده است. به نظر محقق دلیل آن تعیین شرایط سخت‌گیرانه و یا برعکس آن را در پروسه‌ی استخدام می‌داند؛ ولی به هر حال باید در تحقیقات بعدی روی آن بیشتر مکث گردد.

به همین ترتیب در بخش استقلالیت سازمانی، توافق بیشتر نسبت به سه بخش اول‌الذکر وجود دارد؛ اما بازم در یک مورد "استقلال در تعیین و برطرفی رییس پوهنتون" اختلاف نسبی دیده می‌شود. از دید محقق، این رأی پایین به خاطر این است که در تاریخ تحصیلات عالی پوهنتون‌های دولتی افغانستان تجربه‌ی انتخاب رییس پوهنتون را نداشته‌اند و هکذا استادان در خارج از کشور نیز با چنین حالت مواجه نگردیده‌اند. هرچند در سال ۱۳۶۹ پوهنتون کابل انتخاب رییس پوهنتون را تحت سایه‌ی سنگین دخالت حزب دموکراتیک خلق تجربه کرد که در نتیجه با سرقت رأی، نماینده حزب حاکم برنده اعلان گردید. به صورت کل می‌توان گفت که میانگین بالای ثقلت موافقت به شاخص‌ها و هم‌چنان انحراف معیاری خیلی پایین‌تر از (۱) نشان می‌دهد که میزان پراگندگی داده‌ها از نقطه‌ی میانگین اندک است. هکذا، رابطه بین چهار کتگوری استقلالیت در جدول با استفاده از سافت‌ویر spss استخراج و نشان داده شده است.

جدول ۴: رابطه بین چهار کتگوری استقلالیت

Correlations					
		Tfinancial	Tacademic	Temployee	Tinstitutional
Tfinancial	Pearson Correlation	1	.132	.225*	.184
	Sig. (2-tailed)		.190	.025	.067
	N	100	100	100	100
Tacademic	Pearson Correlation	.132	1	.643**	.740**
	Sig. (2-tailed)	.190		.000	.000
	N	100	100	100	100
Temployee	Pearson Correlation	.225*	.643**	1	.683**
	Sig. (2-tailed)	.025	.000		.000
	N	100	100	100	100
Tinstitutional	Pearson Correlation	.184	.740**	.683**	1
	Sig. (2-tailed)	.067	.000	.000	
	N	100	100	100	100

*. Correlation is significant at the 0.05 level (2-tailed).

** Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

از جدول ، با توجه به ضریب پیرسون می‌توان استنباط کرد که بین هریک از چهار نوع استقلالیت یک نوع رابطه‌ی مثبت و معنادار وجود دارد. زیرا تمام ضرایب پیرسون کم‌تر از یک و مثبت حاصل گردیده‌اند.

نظریات استادان در یک سؤال بازپاسخ هرچند از نظر تحلیل زمان‌گیر بود؛ ولی نشان می‌دهد که اساتید استقلالیت پوهنتون‌های دولتی را به نفع بهبود کیفیت تدریس ، پاسخ‌گویی به نیازهای جامعه ، پیشرفت تحقیق ، رقابتی شدن پوهنتون‌ها در سطح ملی و بین‌المللی ، افزایش تولید دانش ، افزایش تنوع در برنامه‌های علمی ، افزایش اثربخشی اجتماعی و پاسخ‌گو به دولت و جامعه و تحولات بازار کار و تکنالوژی‌های جدید و نوظهور ، انکشاف جامعه ، بیرون شدن دیپارتمنت‌ها از تک‌رشته‌یی به چندرشته‌یی و حرکتی از ثبات به پایداری می‌دانند؛ زیرا در سیستم متمرکز امروز حاکم بر نظام تحصیلات عالی کشور که منابع مالی ، روندهای اداری ، اسناد تقنینی و مقررات از سوی دولت تعیین می‌گردد ، گرداننده‌گان پوهنتون به جز اجرای تصامیم و مصوبات نقش دیگری ایفا نکرده و مفاهیم خلاقیت ، ابتکار ، نوآوری ، تغییر ، تفکر ، نواندیشی و ده‌ها مفاهیم دیگر در آن گنجایش نداشته و پوهنتون را از کاروان بین‌المللی شدن و سهم‌گیری در تولید علم جهانی سلب می‌نماید. تحت این محدودیت ، پوهنتون‌ها نمی‌توانند که خود را هماهنگ با تحصیلات عالی نسل چهارم سازد. در نظام تحصیلی به شدت متمرکز انگیزه‌های داخلی از بین رفته و منتهی به ساختار نهادی غیر مؤثر و غیر پاسخ‌گو می‌گردد.

چنان‌چه بیردال (Berdahl, 2006) نیز در تحقیقات خویش در پوهنتون‌های انگلیس بر آن تأکید دارد. هم‌چنان ، اکثریت پاسخ‌دهندگان را باور بر این بود که باید پروسه‌ی استقلالیت یک پروسه‌ی تدریجی باشد و از پوهنتون‌هایی آغاز گردد که کسب اعتبار نموده‌اند و در ظرف سه تا پنج سال باید تمام پوهنتون‌های دولتی به استقلالیت نایل گردند.

یک تعداد نگرانی‌هایی نیز در نظریات به مشاهده می‌رسد. این نگرانی‌ها شامل قوانین دست‌وپاگیر ؛ وابسته‌گی به قوانین خارج از حیطه‌ی تحصیلات عالی ؛ مخالفت‌های اولیای امور در وزارت مالیه ؛ ترس از تجربه جدید ؛ وضع قوانین ، لوایح و طرز‌العمل‌های جدید ؛ انتخاب یک مدل مناسب برای استقلالیت ؛ انکشاف یک نقشه راه مناسب و پلان تطبیقی کارا ؛ انتخاب پوهنتون برای به استقلال رسیدن ؛ هم‌کاری وزارت تحصیلات عالی ؛ هم‌کاری استادان و کارمندان می‌گردد.

نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که استادان در قسمت استقلال مالی، استقلال آکادمیک، استقلال استخدام و استقلال سازمانی با اکثریت آرا موافق تمرکززدایی هستند و با یک بینش مفید به آن نگاه دارند. تمرکزگرایی حاکم به پوهنتون‌ها را به نفع کشور و نظام تحصیلات عالی به خصوص از نظر کیفیت نمی‌دانند. به منظور صدق این نظر محقق آن را با دریافت ضریب کرون باخ ۰,۷۳ می‌تواند که صحنه بگذارد.

استقلال پوهنتون در نگاه طیفی به آینده و آینده‌نگری آینده‌های ممکن، محتمل و مطلوب کمک می‌نماید. بدون شک دستیابی به آینده‌ی مطلوب تحصیلات عالی افغانستان یکی از پراهمیت‌ترین خواسته‌های وزارت تحصیلات عالی، جامعه افغانستان و مخاطبین تحصیلات عالی یا محصلان را تشکیل می‌دهد. این آینده‌ی مطلوب مستلزم زیرساخت‌ها می‌باشد که مهم‌ترین آن استقلال پوهنتون می‌باشد.

این تحقیق نشان داد که جامعه‌ی آکادمیک دولتی سخت‌تشنه و علاقه‌مند استقلال هستند؛ ولی استقلال ناگفته پیداست که بدون چاله‌ها و چالش‌ها نمی‌تواند باشد. استقلال پوهنتون در ابعاد چهارگانه از الزامات پایداری و بقا در تحصیلات عالی نوین محسوب می‌گردد. استقلال پوهنتون نه تنها مسوولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی مدیران پوهنتون را افزایش می‌بخشد؛ بلکه در فزونی سطح مسوولیت‌پذیری اعضای کادر علمی نیز ممد واقع می‌گردد. مسوولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی رابطه‌ی تنگاتنگ با اعطای اختیارات و صلاحیت‌ها دارد.

تجربه و الگوریتم گزار از تمرکزگرایی به تمرکززدایی در تحصیلات عالی در کشورهای پاکستان، سریلانکا، ایران و غیره تغییر در کیفیت و پاسخ‌گویی نهادهای تحصیلی را نشان می‌دهد. چنانچه، مؤید و هم‌کاران (Mueed, Saeed, & Ata, 2013) در مطالعه‌ی موردی خویش پاکستان را دارای تاریخ طولانی ناکامی‌های اصلاحات در نظام تحصیلی می‌دانند. تأسیس کمیسیون تحصیلات عالی (HEC) در سال ۲۰۰۲ که منجر به اعطای آزادی‌های بیشتر به پوهنتون‌ها گردید، نقطه چرخش در بهبود کیفیت آموزشی تحصیلات عالی می‌دانند. وی مشخصاً پوهنتون لاهور را از بُعد استقلال اداری و مالی مورد ارزیابی قرار داده است.

نویسنده در جریان تحقیق و مراجعه به آثار پیشینه متوجه شد که متأسفانه در متون داخل کشور اصلاً به این موضوعات پرداخته نشده و اگر پرداخته شده نهایت اندک است. نتایج این تحقیق نمی‌تواند به صورت بالقوه کافی و حلال همه‌ی مشکلات باشد. بناءً، ایجاب می‌کند که محققین بیشتر به ابعاد

مختلف و موضوعات مماسی آن مانند رابطه‌ی پوهنتون با دولت در بعد از استقلالیت، کارآفرینی و استقلالیت؛ ضرورت استقلالیت پوهنتون از دیدگاه کارمندان، دولت، محصلان و سکتور صنعت؛ طراحی الگوی پوهنتون مستقل؛ بررسی ابعاد حقوقی پوهنتون‌ها و بررسی ابعاد مدیریت پوهنتون‌ها؛ عوامل مؤثر در شکل‌گیری پوهنتون‌های مستقل، بررسی چالش‌های استقلالیت اعم از پس‌منظر درونی و بیرونی؛ استقلالیت علمی و تجاری‌سازی، استقلالیت و تضمین کیفیت، استقلالیت و اعتبار اکادمیک، درک از مفاهیم استقلالیت، عواملی که استقلالیت مالی، علمی، استخدام، و سازمانی را متأثر می‌سازد، مطالعه‌ی شکاف استقلالیت اکادمیک از دیدگاه نخبه‌گان پوهنتون، استقلالیت پوهنتون و ثروت‌آفرینی، استقلال پوهنتون و رابطه‌ی آن با پاسخ‌گویی، نقش و جایگاه وزارت تحصیلات عالی در استقلال پوهنتون‌ها پردازند.

منابع

- حسین پور، ر. (۱۳۹۵). استقلال دانشگاه‌ها، اصول، عوامل مؤثر و راه‌کارهای دستیابی به آن در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی کشور. تهران: چهارمین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روان‌شناسی، آسیب‌های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران.
- Beaud, O. (2020). Reflections on the concept of academic freedom. *European Review of History*, 27(5), PP. 611-617. doi:10.1080/13507486.2020.1823650
- Berdahl, R. (2006). Academic freedom, autonomy and accountability in British universities. *Studies in Higher Education*, 15(2), PP. 169-180. doi:10.1080/03075079012331377491
- Berg, C. (2006). University autonomy and quality assurance. *Higher Education in Europe*, 18(3), PP. 18-26. doi:10.1080/0379772930180303
- Dea, S. (2018, October 9). A brief history of academic freedom. (University Affairs) Retrieved Jun 15, 2021, from <https://www.universityaffairs.ca/opinion/dispatches-academic-freedom/a-brief-history-of-academic-freedom/>
- Esterman, T., Nokkala, T., & Steinel, M. (2011). University Autonomy in Europe II. Belgium: European University Association.
- Gerlese, S. K., & Kayrooz, C. (2003). Understanding academic freedom: The views of social scientists. *Higher Education Research and Development*, 23(3), PP. 327-344. doi:10.1080/0729436032000145176
- Keyrooz, C., & Preston, P. (2002). Academic freedom: Impressions of Australian social scientists. *Minerva*, 40, PP. 341-358.
- Keyrooz, C., Kinnear, P., & Preston, P. (2001). Academic Freedom and Commercialisation of Australian Universities Perceptions and experiences of social scientists. Canberra: Australia Institute Discussion Paper No. 37, Australia Institute.
- Lazi, Z., Gazizulina, A., & Đorđević, A. (2021). Improvement of quality of higher education institutions as a basis for improvement of quality of life. *Sustainability*.
- Margensone. (2000). Rethinking academic work in the global era. *Higher Education Policy and Management*, 22, PP. 23-35.
- Marginson, S., & Considine, M. (2000). *The Enterprise University: Power, Governance and Reinvention in Australia (Vol. 22)*. Cambridge: Cambridge University Press. doi:10.1080/0729436970160309
- Mueed, M. I., Saeed, A., & Ata, G. (2013). Autonomy of Higher Education Institutions in Pakistan: A Case Study of Universities of Education, Lahore. *Public Policy and Administration Research*, 3(12), PP. 15-24.

- Pruvot, E. B., & Estermann, T. (2017). University Autonomy in Europe III. Belgium: European University Association.
- Pugh, J. (2020). Autonomy, Rationality, and Contemporary Bioethics. Oxford: Oxford University Press.
- Schullar, T. (1995). The changing university? Buckingham, UK: SRHE & OU Press.
- Smyth, J. (1995). Academic work: The changing labour process in higher education. Buckingham, UK: SRHE & OU Press.
- Vidovich, L., & Currie, J. (1998). Changing accountability and autonomy at the 'coalface' of academic work in Australia. In J. Currie, & J. Newson (Eds.), Universities and globalization: Critical perspectives (pp. 193-211). Thousand Oaks, California: Sage publications, Inc.
- Wang, L. (2014). Quality assurance in higher education in China: Control, accountability and freedom. Policy and Society, 33(3), 253-262. doi:10.1016/j.polsoc.2014.07.003
- Worgul, G. S. (1992). Issues in academic freedom. Pittsburgh: Duquesne University Press.